

نیروی الکتریکی ی وارد بر بارها ی متمرکز

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

نیروی الکتریکی ی وارد بر بارها ی متمرکز بررسی میشود. نشان داده میشود نیروی وارد بر لولها ی نازک باردار، وقت ی کلفتی ی لوله به صفر بگراید و چگالی ی طولی ی بار صفر نشود، بینهایت میشود.

0 درآمد

در محاسبه ی میدان الکتریکی ی وارد بر یک بار، میدان خُذ آن بار را نباید به حساب آورد: نیروی وارد بر یک بار نقطئی برابر است با میدان حاصل از بارها ی دیگر، ضرب در مقدار آن بار نقطئی. این کار (کنار-گذاشتن میدان حاصل از خُذ آن بار) برای بارها ی نقطئی ساده است، اما برای چشمها ی پیوسته ن لزومن. یک راه این است که برای محاسبه ی میدان مثر در نقطه ی r_0 ، یک مجموعه ی m شامل آن نقطه کنار گذاشته شود، و میدان حاصل از بقیه ی بارها در m حساب شود. این میدان را با E_m نشان میدهم:

$$E_m(\mathbf{r}) = K \int_{\mathfrak{M}-m} d\mu' \frac{\chi(\mathbf{r}') (\mathbf{r} - \mathbf{r}')}{|\mathbf{r} - \mathbf{r}'|^3}. \quad (1)$$

نیروی الکتریکی \mathcal{M} وارد بر بارها \mathcal{M} متمرکز

μ اندازه \mathcal{M} انتگرالگیری، و χ چگالی-ی-بار متناظر با آن است. K ثابت نیروی الکتریکی است. \mathcal{M} مجموعه \mathcal{M} شامل \mathcal{M} کل بارهاست، که ممکن است 3 یا کمتر بُعدی باشد. برای محاسبه \mathcal{M} نیروی وارد بر \mathcal{M} ، این میدان را باید در چگالی-ی-بار ضرب کرد و از آن بر \mathcal{M} انتگرال گرفت. حاصل را با \mathbf{F}_m نشان میدهم:

$$\mathbf{F}_m = \int_m d\mu \chi(\mathbf{r}) \mathbf{E}_m(\mathbf{r}), \quad (2)$$

یا

$$\mathbf{F}_m = K \int_m d\mu \int_{\mathcal{M}-m} d\mu' \frac{\chi(\mathbf{r}) \chi(\mathbf{r}') (\mathbf{r} - \mathbf{r}')}{|\mathbf{r} - \mathbf{r}'|^3}. \quad (3)$$

برای محاسبه \mathcal{M} میدان \mathcal{M} ، این نیرو را بر Q_m (بار \mathcal{M}) تقسیم میکنم. اگر حد خارج-قسمت \mathcal{M} m به صفر میگراید (یعنی همه \mathcal{M} ابعاد \mathcal{M} به صفر میگراید) وجود داشت، آن حد هم \mathcal{M} (میدان \mathcal{M}) است:

$$Q_m = \int_m d\mu \chi(\mathbf{r}). \quad (4)$$

$$\mathbf{E}_\tau(\mathbf{r}_0) = \lim_{m \rightarrow 0} \frac{\mathbf{F}_m}{Q_m}. \quad (5)$$

اگر حد \mathcal{M} $\mathbf{E}_m(\mathbf{r}_0)$ در m به صفر وجود داشته باشد، یک راه دیگر برای محاسبه \mathcal{M} $\mathbf{E}_\tau(\mathbf{r}_0)$ به دست میآید. گیرم

$$\lim_{m \rightarrow 0} [\mathbf{E}_m(\mathbf{r}_0)] = \mathbf{E}_s(\mathbf{r}_0). \quad (6)$$

در این صورت،

$$\begin{aligned} \mathbf{F}_m &= \int_m d\mu \chi_\mu [\mathbf{E}_s(\mathbf{r}_0) + o(m)], \\ &= Q_m \mathbf{E}_s(\mathbf{r}_0) + o(m), \end{aligned} \quad (7)$$

که نتیجه میدهد

$$\mathbf{E}_\tau(\mathbf{r}_0) = \mathbf{E}_s(\mathbf{r}_0). \quad (8)$$

1 چشمه ی سه-بُعدی

اگر \mathcal{M} سه-بُعدی باشد، حد $E_m(r_0)$ در $(m \rightarrow 0)$ وجود دارد. علت این است که در (1) انتگرالده متناسب با $|r_0 - r'|^{-2}$ تغییر میکند و در عنصر-حجم $d\mu'$ یک ضریب $|r' - r_0|^2$ هست. پس انتگرالده ضرب در عنصر-حجم مثل $d|r' - r_0|$ رفتار میکند. در نتیجه انتگرال همگراست. در این حالت

$$\lim_{m \rightarrow 0} [E_m(r_0)] = K \int_{\mathcal{M}} d\mu' \frac{\chi(r') (r_0 - r')}{|r_0 - r'|^3}. \quad (9)$$

یعنی جدا کردن m از ناحیه ی انتگرالگیری لازم نیست:

$$E_r(r_0) = E(r_0), \quad (10)$$

که E هم ان میدان ی ست که با انتگرالگیری ی ساده به دست میناید.

2 چشمه ی دُ-بُعدی

اگر \mathcal{M} دُ-بُعدی باشد، حد $E_m(r_0)$ در $(m \rightarrow 0)$ وجود ندارد. علت این است که در (1) انتگرالده متناسب با $|r_0 - r'|^{-2}$ تغییر میکند و در عنصر-مساحت $d\mu'$ یک ضریب $|r' - r_0|$ هست. پس انتگرالده ضرب در عنصر-حجم مثل $d|r' - r_0|^{-1}$ رفتار میکند. در نتیجه انتگرال واگراست. در این حالت برای r ها ی درون m و نزدیک به مرز m ،

$$E_m(r) = a \frac{r - r'}{|r - r'|} \ln \frac{|r - r'|}{b} + O(r - r'), \quad (11)$$

که r' نقطه ای در مرز m است که فاصله اش تا r کمینه است، و a و b ثابت اند. برای ی به-دست-آوردن این رابطه، مثلن میشود بخش ی از سطح باردار که نزدیک r است را با یک نیمصفحه تقرب کرد. از این که واگرایی ی E_m لگاریتمی ست، نتیجه میشود انتگرال طرف راست (2) وجود دارد. از (11) دیده میشود بخش واگرا-شونده ی E_m مماس بر m است. به علاوه این بخش در انتگرال طرف راست (2) سهم ی ندارد. برای دیدن این، پارامترها ی m را (s, θ) میگیرم، که s فاصله از مرز m است و θ یک متغیر بر خمها یی که فاصله ی نقاط شان از مرز m ثابت است. مثل این که θ را یک پارامتر برای مرز m بگیرم و تعریف کنم

$$r(s, \theta) = p(\theta) + s v(\theta), \quad (12)$$

نیروی الکتریکی ی وارد بر بارها ی متمرکز

که $p(\theta)$ نقطه ای در مرز با پارامتر θ است و $v(\theta)$ بردار ی بکه ی مماس بر m و عمود بر مرز m به سوی درون m است. البته رُشن است که این پارامترش فقط برای جاها ی نزدیک مرز m است. با این پارامترها،

$$d\mu = ds \, d\ell, \quad (13)$$

که ℓ طول بر خمها ی s -ثابت است. دیده میشود

$$\mathbf{E}_m(\mathbf{r}) = a v \ln \frac{s}{b} + O(s). \quad (14)$$

$$\oint d\ell \, \mathbf{v} = 0. \quad (15)$$

پس بخش واگرا ی \mathbf{E}_m در نیرو (و در نتیجه میدان مثر) سهم ندارد. به این ترتیب برای محاسبه ی نیرو میشود بخش واگرا ی \mathbf{E}_m را حذف کرد. بخش مماسی ی آن چه میماند، در ($m \rightarrow 0$) همگراست و در واقع بخش مماسی ی میدان الکتریکی ست. به این ترتیب،

$$\mathbf{F}_{m\parallel} = \int_m d\mu \chi(\mathbf{r}) \mathbf{E}_{\parallel}(\mathbf{r}) + o(m). \quad (16)$$

برای بخش عمودی ی نیرو، توجه میکنم که $\mathbf{E}_{m\perp}$ بر m پیوسته است. پس

$$\mathbf{E}_{m\perp}(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u}) - \mathbf{E}_{m\perp}(\mathbf{r}) = O(\varepsilon), \quad \mathbf{r} \in m, \quad (17)$$

که \mathbf{u} بردار ی بکه ی عمود بر m است. \mathbf{E}_{\perp} بر m پیوسته نیست، اما اگر \mathbf{r} در m باشد، بخش زُج-نسبت-به- ε $(\mathbf{E}_{\perp} - \mathbf{E}_{m\perp})(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u})$ دست-کم مثل خُذ m صفر میشود:

$$(\mathbf{E}_{\perp} - \mathbf{E}_{m\perp})(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u}) + (\mathbf{E}_{\perp} - \mathbf{E}_{m\perp})(\mathbf{r} - \varepsilon \mathbf{u}) = O(m), \quad \mathbf{r} \in m. \quad (18)$$

به این ترتیب،

$$\mathbf{E}_{m\perp}(\mathbf{r}) - \frac{\mathbf{E}_{\perp}(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u}) + \mathbf{E}_{\perp}(\mathbf{r} - \varepsilon \mathbf{u})}{2} = O(\varepsilon) + O(m), \quad \mathbf{r} \in m. \quad (19)$$

پس

$$\mathbf{F}_{m\perp} = \int_m d\mu \chi(\mathbf{r}) \frac{\mathbf{E}_{\perp}(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u}) + \mathbf{E}_{\perp}(\mathbf{r} - \varepsilon \mathbf{u})}{2} + O(\varepsilon) + o(m). \quad (20)$$

از ترکیب این با (16)، و با استفاده از پیوستگی ی \mathbf{E}_{\parallel} بر m ، نتیجه میشود

$$\mathbf{F}_m = \int_m d\mu \chi(\mathbf{r}) \frac{\mathbf{E}(\mathbf{r} + \varepsilon \mathbf{u}) + \mathbf{E}(\mathbf{r} - \varepsilon \mathbf{u})}{2} + O(\varepsilon) + o(m). \quad (21)$$

به این ترتیب،

$$E_{\tau}(r_0) = \lim_{\varepsilon \rightarrow 0} \frac{E(r_0 + \varepsilon \mathbf{u}) + E(r_0 - \varepsilon \mathbf{u})}{2}. \quad (22)$$

با تعریفهای

$$\lim_{\varepsilon \rightarrow 0} E(r_0 \pm \varepsilon \mathbf{u}) =: E^{\pm}(r_0), \quad (23)$$

(با توجه به این که این حدها وجود دارند) (22) چنین میشود.

$$E_{\tau}(r_0) = \frac{E^+(r_0) + E^-(r_0)}{2}. \quad (24)$$

میدان مئثر میانگین میدان دُ-طرف سطح است (مثلاً [1]).

3 چشمه‌ی یک-بُعدی

حالتی که \mathcal{M} یک-بُعدی است، یعنی بار بر یک خم گسترده شده. m بخش‌ی از این خم میشود. در (1) انتگرالده مثل $|r - r'|^{-2}$ رفتار میکند و عنصر-طول $d\mu'$ هم توانی از $|r - r'|$ ندارد. پس انتگرالده ضرب در عنصر-طول مثل $|r - r'|^{-2} d|r - r'|$ رفتار میکند. به این ترتیب E_m نزدیک مرزهای m واگرا میشود و این واگرایی مثل عکس فاصله از مرزهاست. نتیجه میشود F_m هم واگرا میشود.

3.1 میدان در وسط بازه

مختصات را چنان میگیریم که نقطه‌ی r_0 مبده باشد، و در این نقطه مماس بر خم و قائم اصلی‌ی خم موازی با محورهای به ترتیب x و y باشند، که (x, y, z) مختصات دگرتی‌ی‌ند. به این ترتیب معادله‌ی خم در نزدیکی‌ی مبده چنین میشود

$$\mathbf{r}(t) = \hat{\mathbf{x}} t + \hat{\mathbf{y}} \frac{t^2}{2R} + o(t^2), \quad (25)$$

که R شعاع انحنا‌ی خم در مبده است. m را بخش‌ی از این خم میگیریم که متناظر با پارامتر در $[-\alpha, \beta]$ است، که α و β مثبت‌ند. پس

$$E_m(r_0) = K \left(\int_{\beta}^{-\alpha} + \int_{\beta} \right) dt \frac{\chi(t)}{|t|^3} \left[-\hat{\mathbf{x}} t - \hat{\mathbf{y}} \frac{t^2}{2R} + o(t^2) \right], \quad (26)$$

$$\mathbf{E}_m(\mathbf{r}_0) = K \left(\int_{-\alpha}^{-\beta} + \int_{\beta}^{\alpha} \right) dt \left[-\hat{\mathbf{x}} \frac{\chi(0)}{t|t|} - \hat{\mathbf{x}} \frac{(\mathbf{D}\chi)(0)}{|t|} - \hat{\mathbf{y}} \frac{\chi(0)}{2R|t|} + O(t^0) \right]. \quad (27)$$

انتگرال حاصل از جمله ی اول، مثل α^{-1} و β^{-1} واگرا میشود. اما اگر \mathbf{r}_0 متناظر با وسط بازه باشد، این جمله واگرا نیست. جمله ی دوم و سوم واگرایی ی لگاریتمی میدهند: جمله ی دوم موازی با مماس بر خم، و جمله ی سوم موازی با قائم اصلی ست. البته جمله ی دوم فقط وقت ی هست که چگالی ی طولی ی بار نایکنواخت باشد (مشتق اش صفر نباشد)، و جمله ی سوم فقط وقت ی هست که شعاع انحنا با پایان باشد (خم خمیده باشد).

3.2 سیم با کلفتی ی ناصفر

حالا که سیم با کلفتی ی صفر نیرو-بر-طول (یا میدان-مشر) بیپایان میدهد، سیم ی نازک ولی ن با کلفتی ی صفر میگیرم، و میکوشم نیرو-بر-طول را برا ی کلفتیها ی کم تا حد جمله ی غالب حساب کنم. یک راه، محاسبه ی انرژی ی الکتروستاتیک است. سیم نازک ی را میگیرم که یک استوانه ی دوار است که خم شده. یعنی یک خم مرکزی (محور) هست، که بر هم نقطه اش یک قرص به مرکز آن نقطه و عمود بر محور در آن نقطه سوار شده. سیم اجتماع این قرصها ست. به شرط ی که a از شعاع انحنا ی سیم و طول-مشخصه ی تغییرات چگالی-ی-بار خیل ی کوچکتر باشد، جمله ی غالب میدان در نزدیک ی سیم (بیرون آن) مثل میدان یک سیم با کلفتی ی صفر و چگالی-ی-بار یکنواخت است. از اینجا U (انرژی ی پتانسیل الکتروستاتیک) میشود

$$U = \frac{1}{8\pi K} \int dV \mathbf{E} \cdot \mathbf{E}, \\ = \frac{1}{8\pi K} (2\pi) \int d\ell [\chi(\ell)]^2 \int_a^\Lambda \rho d\rho \left(\frac{2K}{\rho} \right)^2 + O(a^0), \quad (28)$$

که ρ فاصله از محور سیم و ℓ طول در راستای سیم است. λ یک حد - بالا ی فاصله است، که تا آن فاصله تقریب میدان با میدان یک سیم دراز یکنواخت خوب است. به این ترتیب،

$$U = \left(K \ln \frac{\Lambda}{a} \right) \int d\ell [\chi(\ell)]^2 + O(a^0). \quad (29)$$

f (چگالی نیرو) را میشود چنین به دست آورد. یک جابجایی مجازی $\xi(\ell)$ برای محور سیم میگیریم. δU (تغییر انرژی متناظر با این جابجایی، وقت ی بار هر تکه ثابت میماند) را حساب میکنم. این رابطه برقرار است.

$$\delta U = - \int d\ell \mathbf{f}(\ell) \cdot \boldsymbol{\xi}(\ell) + o(\boldsymbol{\xi}). \quad (30)$$

تکه ی کوچک ی از سیم به طول L ، وقت ی سیم جابجا میشود طول ش تغییر میکند:

$$L + \delta L = \left[\frac{R - \mathbf{n} \cdot \boldsymbol{\xi}}{R} + \frac{d(\boldsymbol{\tau} \cdot \boldsymbol{\xi})}{d\ell} \right] L + o(\boldsymbol{\xi}) + o(L), \quad (31)$$

که $\boldsymbol{\tau}$ بردار بیکه ی مماس است، و \mathbf{n} قائم اصلی ست، و R شعاع انحنا ی سیم است. به این ترتیب،

$$\frac{\delta L}{L} = - \frac{\mathbf{n} \cdot \boldsymbol{\xi}}{R} + \frac{d(\boldsymbol{\tau} \cdot \boldsymbol{\xi})}{d\ell} + o(\boldsymbol{\xi}) + O(L). \quad (32)$$

بار آن تکه از سیم (χL) است، و طی این جابجایی مجازی ثابت میماند. پس،

$$\begin{aligned} \delta(\chi^2 L) &= \delta[(\chi L)^2 (L)^{-1}], \\ &= (\chi L)^2 \delta[(L)^{-1}], \\ &= \chi^2 L \left[\frac{\mathbf{n} \cdot \boldsymbol{\xi}}{R} - \frac{d(\boldsymbol{\tau} \cdot \boldsymbol{\xi})}{d\ell} \right] + o(\boldsymbol{\xi}) + o(L). \end{aligned} \quad (33)$$

تغییر - انرژی میشود

$$\begin{aligned} \delta U &= \left(K \ln \frac{\Lambda}{a} \right) \int d\ell [\chi(\ell)]^2 \left[\frac{\mathbf{n} \cdot \boldsymbol{\xi}}{R} - D(\boldsymbol{\tau} \cdot \boldsymbol{\xi}) \right] (\ell) + o(\boldsymbol{\xi}) + O(a^0), \\ &= \left(K \ln \frac{\Lambda}{a} \right) \int d\ell \left\{ \chi \left[\left(\frac{\mathbf{n} \chi}{R} + 2\boldsymbol{\tau} D\chi \right) \cdot \boldsymbol{\xi} \right] \right\} (\ell) + o(\boldsymbol{\xi}) + O(a^0). \end{aligned} \quad (34)$$

به این ترتیب،

$$\mathbf{f} = -\chi \left(K \ln \frac{\Lambda}{a} \right) \left(\frac{\mathbf{n}}{R} \chi + 2\boldsymbol{\tau} D\chi \right) + O(a^0). \quad (35)$$

نیروی الکتریکی ی وارد بر بارها ی متمرکز

پس میدان مثر میشود

$$E_{\tau} = - \left(K \ln \frac{\Lambda}{a} \right) \left(\frac{n}{R} \chi + 2 \tau D\chi \right) + O(a^0). \quad (36)$$

دیده میشود این میدان در حد $(a \rightarrow 0)$ واگراست، چنان که از (27) هم انتظار کش میرفت. و در واقع ساختار واگرایی یش مشابه هم ان است که در (27) دیده میشود.

4 پانوشتها

- [1] David J. Griffiths; "Introduction to electrodynamics" 4th edition (Pearson, 2013) chapter 2